فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۴، بهار ۹۸، صفحات ۲۴۵- ۲۱۵

مفهوم‌سازی عدالت و ارزیابی عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری: ایضاح معیارها و پیشنهاد راهبردها[1]

محمد اعظمی[2]، ایرج اسدی[3]، محمد رضا حق‌جو[4]

تاریخ دریافت:۱۳۹۷/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۶

چکیده

طرح‌های توسعه‌ی شهری باید با هدف و محوریت برقراری عدالت در تمام جنبه‌های زندگی شهری تهیه و به اجرا گذاشته شوند. هدف از این مقاله تدوین اصول و معیارهایی است که در ارزیابی و اصلاح و تغییر طرح‌های توسعه‌ی شهری در جهت دست‌یابی به عدالت شهری کمک می‌کنند. این پژوهش بر روش بازنگری تحقیقات[5] و نیز تحلیل محتوای[6] طرح‌های توسعه‌ی شهری کشورهای بریتانیا و آمریکا استوار است. در این مقاله با بهره‌گیری از دیدگاه‌های فلسفی درباره‌ی تعریف عدالت و هم‌چنین استفاده از رویکردهای عدالت در برنامه‌ریزی شهری شش معیار کلی برای تدوین چارچوب مفهومی عدالت در برنامه‌ریزی شهری پیشنهاد می‌شود. این شش معیار عبارتند از: نیاز،نابرابری به نفع طبقه‌ی محروم، برابری، تنوع، اجتماع گفتمانی وقابلیت‌های شهری. معیارهای ارائه‌شده، منطبق بر دو حوزه‌ی عدالت محتوایی و فرآیندی در طرح‌های توسعه‌ی شهری هستند که در مقاله‌ی حاضر ارزیابی عدالت در محتوای طرح‌های توسعه‌ی شهری مورد نظر قرار گرفته است. با دسته‌بندی اهداف و تدابیر کلات مربوط به هر معیار در پنج عرصه‌ی کاربری زمین، مسکن و محلات، حمل و نقل، اقتصاد و خدمات عمومی و بررسی محتوای

[1] این مقاله مبتنی بر پایان‌نامه‌ی فوق لیسانس محمد اعظمی با عنوان «سنجش عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری ایران» که با راهنمایی دکتر ایرج اسدی و مشاوره‌ی دکتر محمدرضا حق‌جو در دانشگاه مازندران به انجام رسیده است.

[2] فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه مازندران

[3] استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه مازندران(نویسنده‌ی مسئول) i.asadie@umz.ac.ir

[4] مربی گروه شهرسازی، دانشگاه مازندران

[5] Research review

[6] Content analysis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

طرح‌های مخالف در این عرصه‌ها؛ در بخش نتیـجه‌گیـری راهبردها و سیاست‌هایی در قالب معیارهای ارائه شده‌ی مقاله پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: عدالت شهری، طرح توسعه‌ی شهری، عدالت در برنامه‌ریزی، تحلیل محتوا، عدالت محتوایی.

مقدمه و طرح مسأله

طرح‌های توسعه‌ی شهری پس از جنگ جهانی دوم و شروع بازسازی‌های گسترده‌ی شهرهای آسیب‌دیده،جای‌گاه بسیار مهم‌تری یافتند. گرچه در این دوره طرح‌های توسعه‌ی شهری و به‌طور کل برنامه‌ریزی شهری به‌عنوان فعالیتی برای طراحی فیزیکی و دقیق شهرها نگریسته می‌شدند، اما از همان ابتدا یکی از اهداف اصلی این طرح‌ها برقراری نوعی عدالت حداقل در تأمین خدمات شهری عمومی بوده است. با وقوع تغییرات بزرگ در پارادایم نظریه‌ی برنامه‌ریزی شهری بعد از دهه‌ی ۱۹۶۰، تضمین عدالت در شهرهابه‌عنوان یک هدف متعالی نه‌تنها تضعیف نشد بلکه وجوه بیش‌تر و جای‌گاه مهم‌تری در طرح‌های توسعه‌ی شهری پیدا کرد.

با وجود این‌که تضمین عدالت و برابری، یکی از ارزش‌های مورد انتظار برای برنامه‌ریزان در تمامی مراحل و سطوح برنامه‌ریزی بوده است، با این حال در دهه‌ی ۱۹۶۰ با افزایش نابرابری‌های در شهرها، انتقادات از شیوه‌ی برنامه‌ریزی، به‌عنوان عاملی در تشدید این نابرابری‌ها، شدت گرفت.از ایـن‌رو طی دهه‌هـای بعد، تئوری‌هایی هم‌چون برنامه‌ریزی وکالتی[1] در سال ۱۹۶۵، برنامه‌ریزی برابرخواه[2] در سال ۱۹۸۲، جنبش عدالت زیست‌محیطی[3] در سال ۱۹۸۰ و شهرهای عدالت‌محور[4] در سال ۲۰۱۰ برای تقویت جنبه‌ی عدالت و برابرخواهی در طرح‌های توسعه‌ی شهری ارائه شدند. عمده‌ی اهداف این نظریه‌ها دست‌یابی به عدالت اجتماعی و توزیعی در شهرها از طریق بازنگری در فرآیند و محتوای برنامه‌ریزی شهری است. با مشخص‌شدن کاستی‌های نظام برنامه‌ریزی شهری در زمینه‌ی دست‌یابی به مردم‌سالاری، جانب‌داری طبقاتی، نفی آزادی، ناکارآمدی و توجه به سرمایه‌داری اقتصادی در شهرها و افزایش فقر، گرسنگی و تضاد طبقاتی در

[1] advocacy planning
[2] equity planning
[3] environmental justice
[4] just city

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

شهرها، در اواخر قرن بیستم اندیش‌مندانی هم‌چون دیوید هاروی[1]، با جهت‌گیری‌های مارکسیستی و سوزان اس فاینستاین[2]، با اندیشه‌ی اقتـصاد سیاسی به احیاگران اندیشه‌ی عدالت‌خواهی در برنامه‌ریزی شهری بدل شدند .

با وجود اذعان به اهمیت این مفهوم و ارزش در برنامه‌ریزی شهری،تاکنون به ماهیت و ابعاد عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری کم‌تر توجه شده است. این پژوهش به دنبال آن است که معیارهایی روشن برای تعریف مفهوم عدالت در محتوای طرح‌های توسعه‌ی شهری ارائه دهد تا از طریق آن بتوان محتوای این طرح‌هارا از حیث عدالت مورد ارزیابی قرار داد. از این رو هدف اصلی این پژوهش تدوین معیارها و شاخص‌های ارزیابی عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری و شناسایی راهبردها و سیاست‌های دست‌یابی به آن در طرح‌های توسعه‌ی شهری است. بر این اساس دو پرسش اصلی این مقاله از این قرارند:الف)مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریاتی که می‌تواند در تعریف و مفهوم‌سازی عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری مؤثر باشند، کدامند؟ ب) معیارها و شاخص‌های مناسب برای ارزیابی عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری کدامند؟ ج) راهبردها و سیاست‌های تجویزی مهم در طرح‌های توسعه‌ی شهری برای تحقق عدالت کدامند؟

ضرروت و اهمیت پژوهش

طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های جامع عقلایی دهه‌ی ۱۹۶۰ مورد انتقادات بسیاری قرار داشتند؛ چه از حیث روش‌شناسی‌های برنامه‌ریزی(از سوی لیندبلوم و بری بروکدر قالب نظریه‌ی برنامه‌ریزی گام به گام و رویکرد پیمایش مختلط از اتزیونی) و چه از حیث عدالت محتوایی و فرآیندی(پل دیوید افدر قالب نظریه‌ی برنامه‌ریزی حمایتی و بعدها نظریه‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر تشریک مساعی از هیلی). نگاه تکنوکراتیک و غیر دموکراتیک این نوع برنامه‌ریزی نیز به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. پیش‌فـرض‌های این نوع برنامه‌ریزی تـکنوکراتیک در این‌که جامعه را یک کل یکپارچه می‌بیند و برای آن ارزش‌های مشابه و یک‌دستی در نظر می‌گیرد و ابداً به تکثرگرایی بارویندارد، بسیار غیر واقع‌بینانه بودند.نتیجه‌ی آن نوع نگرش‌های خام به شهر و فرآیند برنامه‌ریزی گسترش نابرابری و بی‌عدالتی در سکونت‌گاه‌های شهری بود که پیش‌تر نیز به آن‌ها اشاره شد. بعد از دهه‌ی

[1]David Harvey
[2]Susan S. Fainstein

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

۱۹۷۰ ماهیت سیاسی برنامه‌ریزی بیش‌تر مورد اذعان عمومی قرار گرفت؛به‌گونه‌ای که دیگر نمی‌توان با تکیه‌بر روش‌های ساده اولویت‌بندی اقتصادی صرف در ارزیابی برنامه(مانند تکنیک هزینه-فایده) مطلوبیت برنامه‌ها را تصدیق کرد. بر این اساس و با توجه به این رویکرد و تغییر دیدگاه ایجادشده در برنامه‌ریزی شهری، یکی از مسایل بسیار مهمی که در مباحثه‌های سیاسی برای تأیید و تصویب و پیش‌برد برنامه‌های شهری نقش مهمی ایفا خواهد کرد،تضمین عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند که معیارهای اصلی ارزیابی عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری و نیز راهبردها و ابزارهای تحقق آن را در پنج عرصه‌ی محتوایی اصلی در طرح‌های توسعه‌ی شهری مورد بحث و تحلیل قرار دهد و از این حیث کلیدی است برای ارزیابی عدالت محتوایی طرح‌های توسعه‌ی شهری.

روش پژوهش

این پژوهش بر روش بازنگری تحقیقات[1] و نیز تحلیل محتوای[2] طرح‌های توسعه‌ی شهری کشورهای بریتانیا و آمریکا استوار است.مقاله با مرور و بازنگری تعاریف و معیارهای مختلف، معرف مفهوم عدالت در فلسفه‌ی باستان شروع و با آرای فلاسفه‌ی جدید تکمیل می‌شود. در ادامه با تأکید بر آرای دو اندیش‌مند تأثیرگذار در برنامه‌ریزی شهری، یعنی دیوید هاروی و سوزان فاینستین، تلاش می‌شود تا معیارها و ابزارهای مرتبط با عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری استخراج شوند. در ادامه با تحلیل محتوای طرح‌های توسعه‌ی شهری، موضوع مطالعه،اهداف کلان، راهبردها و سیاست‌های مرتبط با عدالت‌محوری در چند عرصه‌ی اصلی برنامه‌ریزی شهری مانند کاربری زمین،حمل و نقل، مسکن،اقتصاد و نظایر این‌ها به دست آمده است. بررسی و تدوین فهرستی از این اهداف و سیاست‌ها در شش عرصه‌ی اصلی مورد بحث، نشان‌گر میزان نگرانی و جهت‌گیری برنامه‌ریزان شهری در تحقق عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری است. روشن است وجود این راهبردها و سیاست‌ها و فقدان آن‌ها را می‌توان گواهی بر تأکید و پیگیری ارزش‌های اجتماعی بنیادین مانند عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری محسوب کرد.

[1]Research review
[2]Content analysis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه‌ی عدالت در شهر و توسعه‌ی عدالت اجتماعی بین شهروندان انجام شده است که نتایج و یافته‌های این تحقیقات را می‌توان به‌صورت خلاصه در جدول زیر ارائه داد:

جدول شماره‌ی یک- پیشینه‌ی پژوهش‌های انجام‌شده

حوزه‌ی مطالعات	نام پژوهش‌گر یا پژوهش‌گران	دستاوردها و نتایج	منبع
تحقیقات خارجی	دیوید هاروی	• پیوند و ارتباط بین فرآیند اجتماعی، ماهیت عدالت اجتماعی، ماهیت فضا و ماهیت شهرنشینی در تعریف عدالت شهری؛ • مشروط‌بودن عدالت اجتماعی به فرآیندهای اجتماعی عمل‌کننده در جامعه؛ • پاسخ به نظریه‌ی عدالت شهری ازطریق مطالعه پراتیک انسان[1].	فلاحیان، ۱۳۷۸
	دان میچل[2]	• ترکیب تحلیل تاریخی و جغرافیایی به بررسی رابطه‌ی حیاتی بین مبارزات در مورد فضاهای عمومی و جنبش‌های عدالت اجتماعی	میچل، ۲۰۰۳
	سوزان اس. فاینستاین	• انصاف[3]یا توزیع منصفانه را به برابری[4]برای ارزیابی تصمیم‌گیری‌های عمومی ترجیح می‌دهد؛ • تعریف سه اصل مردم‌سالاری، تنوع و برابری برای تعریف عدالت	کیتینگ[5]، ۲۰۱۲: ۱۱۸

[1]praxis

مشروط‌بودن عدالت اجتماعی به فرآیندهای اجتماعی عمل‌کننده در جامعه.

[2]Don Mitchell
[3]equity
[4]equality
[5]Keating

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

	ادوارد سوجا[1]	مجادلات شهری برای دست‌یابی به فضای رقابتی؛ درک خودآگاهی فضایی در جهت فهم سلسله مراتب اجتماعی شهر که فضایی سازمان‌یافته‌اند.	ساندووال[2]، ۲۰۱۱: ۴۹۱
تحقیقات داخلی	طبیبیان و همکاران	• ارائه‌ی چارچوب نظری براساس دیدگاه‌های جان راولز و دیوید هاروی؛ • ارائه‌ی معیارهایی هم‌چون آزادی، فرصت برابر، تفاوت، نیاز، شرکت در منفعت عمومی، استحقاق.	طبیبیان و همکاران، ۱۳۸۹

جدول شماره‌ی دو- اصول بنیادین عدالت بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران

نظریه‌پرداز	اصول اصلی معطوف به عدالت	منابع
امارتیا سن	• عدالت اجتماعی بر پایه‌ی رویکرد واقعیت‌محور استوار است نه سامانه‌محور؛ • درک و فهم الزام‌های عدالت مستلزم مشارکت و بحث و گفتمان است؛ • نهادها ابزارهایی مؤثر برای دست‌یابی به عدالت هستند نه این‌که خود عادلانه باشند؛ • برای ارزیابی عدالت اجتماعی باید بی‌طرفی باز و بسته وجود داشته باشد؛ • به‌منظور برقراری عدالت باید برابری در قابلیت‌ها شکل گیرد؛ • دو مفهوم اساسی که در ارتباط باهم مفهوم قابلیت را شکل می‌دهند: آزادی و عمل‌کرد.	سن (۱۳۹۲)، میرویسی نیک (۱۳۹۴)، محمودی و صمیمی فر (۱۳۸۴)

چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌های برنامه‌ریزی معطوف به عدالت: دیوید هاروی و سوزان فاینستاین

تا دهه‌ی ۱۹۸۰ بیش‌ترین متفکرین حوزه‌ی برنامه‌ریزی که عدالت را به‌عنوان موضوع اصلی مطالعات خود برمی‌گزیدند، به قلمرو اندیشه‌های سوسیالیستی تعلق‌خاطر داشتند و اغلب معتقد بودند که برقراری عدالت در نظام سیاسی سرمایه‌داری لیبرال امکان‌پذیر نیست؛ اما از آن زمان به

[1] Edward W. Soja
[2] Sandoval

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بعد در اثر تلاش‌های فیلسوفان ممتازی چون راولز و هابرماس که به جبهه‌ی متفکرین غیر سوسیالیست تعلق داشتند، بحث پیرامون عدالت در قالب سنت فلسفی لیبرال و سپس برنامه‌ریزی لیبرال گنجانده‌شده است(سعیدی رضوانی و نوریان، ۴۸:۱۳۹۳).

اصول و معیارهای عدالت اجتماعی و برنامه‌ریزی شهری از دیدگاه هاروی

دیوید هارویازنظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی و منتقد نظام سرمایه‌داری است(فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). هاروی در کتاب عدالت اجتماعی و شهر(۱۹۷۳) ادعا می‌کند که شهر یک گره‌ی فضایی برای تمرکز و گردش سرمایه و هم‌میدانی برای نزاع طبقاتی است(نورعلی وند، ۵۰:۱۳۹۴). هاروی می‌گوید: شوربختانه بااین‌که مفهوم عدالت اجتماعی همواره در فلسفه‌ی اخلاق اجتماعی ارسطو به این‌سو مطرح بوده است، اصولی از عدالت اجتماعی که موردپذیرش همگانی باشد، وجود ندارد. هاروی به این باور است که در بررسی مفهوم "توزیع عادلانه به گونه‌ی عادلانه" نخست دو پرسش مطرح می‌شود:

۱) چه چیزی را باید توزیع کرد؟

۲) این توزیع در میان چه کسانی و چه چیزهایی صورت می‌گیرد؟

او در پاسخ به پرسش نخست، هر چیزی را که توزیع‌شدنی باشد، درآمد(با تعریفی گسترده) می‌نامد و بر آن است که تعریف اجتماعی عادلانه‌ای از درآمد به دست دهد. او در پاسخ به دومین پرسش، واپسین واحد توزیع را افراد انسانی می‌داند و می‌گوید در مواقعی بهتر است برای آسانی کار، توزیع در میان گروه‌ها و سازمان‌ها و مناطق را در نظر آوریم و جغرافی‌دانان بیش‌تر با سازمان‌یابی منطقه‌ای یا سرزمینی این توزیع سروکار دارند(حاتمی‌نژاد و راستی، ۹۰:۱۳۸۸).

دیوید هاروی به‌منظور تحلیل اصول عدالت اجتماعی، آن را به دو بخش تقسیم می‌کند؛ ابتدا در پی درک معنایی است که از "توزیع عادلانه" به‌دست می‌آید؛ برای این کار ابتدا باید مبنایی برای این توزیع یافت و این عمل را هم که مسأله‌ای اخلاقی است، بدون تصمیم‌گیری‌های مهم اخلاقی، نمی‌توان انجام داد. این تصمیمات اساساً به این موضوع مربوط می‌شود که چه چیزی به افراد چنین حقی می‌دهد که در قبال محصولات جامعه‌ای که در آن کار و زندگی می‌کنند، ادعایی داشته باشند. در این مورد چند ملاک مطرح‌شده است: ۱- برابری ذاتی؛ ۲- ارزش‌یابی خدماتی برحسب عرضه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

و تقاضا؛ ۳- نیاز؛ ۴- حقوق موروثی؛ ۵- استحقاق؛ ۶- شرکت در منفعت عمومی؛ ۷- شرکت واقعی در تولید؛ ۸- کوشش و فداکاری(هاروی، ۱۳۷۶:۱۰۱-۹۹).

هاروی به پیروی از رانسیمن، ماهیت عدالت اجتماعی را بر پایه‌ی سه معیار کوتاه می‌کند: ۱- نیاز، ۲- سود همگانی ۳- استحقاق. به باور هاروی، این سه معیار بسیار فراگیر است و معیارهای دیگر را نیز در برمی‌گیرد. او سپس به آمیختن مسایل جغرافیایی با این معیارها می‌پردازد و امکان فرمول‌بندی این مفاهیم را در چارچوب مسایل منطقه‌ای و سرزمینی بررسی می‌کند(هاروی، ۱۳۷۶؛ به نقل از حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۸: ۹۱).

هاروی در ارتباط با خاصیت‌های مطلق فضا در مورد پویش جای‌گیری پدیده‌ها در فضاهای شهری در طول زمانی مشخص به نظریه‌ی"اشغال تدریجی فضا" برای کاربری‌های زمین شهری معتقد است. این نظریه بیان می‌کند که اگر تعداد N انتخاب برای گزینش یک فضا وجود داشته باشد، اولین نفر تعداد N انتخاب را خواهد داشت و نفر دوم N-1 انتخاب و همین طور الی آخر و نفر آخر هیچ انتخابی ندارد. اگر قرار باشد افرادی که قصد انتخاب فضا و یا کاربری خاصی را در سطح شهر دارند،براساس قدرت خرید خود انتخاب کنند، آن وقت افراد ثروتمند امکان انتخاب بیش‌تری خواهند داشت؛ درحالی که افراد فقیر آن‌چه را که باقی مانده است، انتخاب خواهند کرد(هاروی، ۱۳۷۶:۱۷۳).

به دنبال بررسی اصول عدالت اجتماعی، دیوید هاروی دو راهکار برای دست‌یابی به عدالت اجتماعی در سطح منطقه ارائه می‌دهد:

۱- توزیع درآمد باید به طریقی باشد که الف) نیازهای جمعیت هر منطقه برآورده شود؛ ب) تخصیص منابع به طریقی صورت گیرد که ضرایب فزایندگی بین منطقه‌ای به حداکثر برسد؛ ج) تخصیص منابع اضافی به طریقی باشد که در رفع مشکلات خاص ناشی از محیط اجتماعی و فیزیکی مؤثر واقع شود.

۲- سازوکارها(نهادی، سازمانی، سیاسی و اقتصادی) باید به طریقی باشد که دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق تا حد امکان بهتر شود.

اگر این شرایط موجود باشد، آن‌گاه می‌توان به یک توزیع عادلانه که از طریق عادلانه به‌دست‌آمده است، رسید(هاروی، ۱۳۷۶:۱۲۰-۱۱۹).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

هم‌چنین هاروی بر اساس دیدگاه یانگ[1] که عدالت را به‌دوراز شیوه‌ی کاملاً باز توزیعیِ سرمایه‌داری دولت رفاه بازتعریف می‌کند، ۶ اصل را برای هدایت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عادلانه ارائه می‌کند(هاروی، ۱۹۹۲:۶۰۰-۵۹۸).:

۱- برنامه‌ریزی عادلانه و اقدامات سیاسی باید به شکل مستقیم با مسأله‌ی ایجاد فرم‌های سازمان‌دهی اجتماعی و سیاسی و هم‌چنین سیستم‌های تولید و مصرفی که بهره‌کشی از توان نیروی کار را، هم در محل کار و هم در محل زندگی به حداقل می‌رساند،برخورد کند.

۲- برنامه‌ریزی عادلانه و اقدامات سیاسی باید با پدیده‌ی به حاشیه رانده‌شدن به شیوه‌ای غیر پدرسالارانه برخورد کند و به دنبال راه‌هایی برای سازمان‌دهی و نبرد با سیاست‌های طردکننده باشد؛ به طریقی که گروه‌های گرفتار را از این شکل مشخص ظلم و ستم رها کند.

۳- برنامه‌ریزی عادلانه و اقدامات سیاسی باید از بروز شرایطی که مظلوم را از دسترسی به قدرت سیاسی و توانایی شرکت در خودبیان‌گری محروم نماید جلوگیری کرده و برای توان‌مندشدن آن‌ها کوشش کند.

۴- برنامه‌ریزی عادلانه و اقدامات سیاسی باید به‌ویژه نسبت به مباحث مربوط به امپریالیسم فرهنگی حساس باشد و با توجه به ابزارهای مختلف به دنبال از بین بردن نگرش امپریالیستی هم در طراحی پروژه‌های شهری و هم شیوه‌های رایزنی عمومی باشد.

۵- برنامه‌ریزی عادلانه و اقدامات سیاسی باید به دنبال اشکال غیرانحصاری و غیرنظامی کنترل اجتماعی باشد تا بدون از بین بردن ظرفیت‌های توان‌مندسازی و خودبیانگری، بر سطوح فشار فردی و نهادینه‌شده بیافزایند .

۶- برنامه‌ریزی عادلانه و اقدامات سیاسی بایدبه‌روشنی متوجه عواقب اثرات زیست‌محیطی همه‌ی طرح‌های اجتماعی بر نسل‌های آینده و هم‌چنین بر مردم دورتر باشد و گام‌هایی در جهت اطمینان از کاهش معقول اثرات منفی بردارد.

[1] Young

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اصول و معیارهای برنامه‌ریزی شهر عدالت‌محور از دیدگاه فاینستاین

نظریه‌ی شهر عدالت‌محور برای مشارکت در تصمیم‌گیری از سوی گروه‌های نسبتاً ناتوان و تضمین برابری در خروجی‌ها ارزش قایل می‌شود. سؤال اصلی که اقتصاددانان سیاسی در ارتباط با هر سیاستی می‌پرسند این است که چه کسی برتر است؟ و چه کسی سود می‌کند؟ "چه کسی"، به‌طورمعمول توسط منافع اقتصادی تعریف‌شده است، اما تقلیل‌گرایی اقتصادی برای این شیوه‌ی تحلیل ضروری نیست؛ هم‌چنین ارزیابی خروجی‌ها می‌تواند باتوجه به گروه‌های تعریف‌شده براساس جنس، نژاد و جهت‌گیری‌های جنسی انجام شود نه با تأکید بر برابری مادی که با کاهش سطح انتظار بازتوزیع را تا نقطه‌ای ادامه می‌دهد که در آن دست‌یابی به هیچ پاداشی وجود ندارد(فاینستاین، ۲۰۰۰: ۴۶۸).

فاینستاین پس از مجادلات فلسفی و تجربی متعدد و بررسی گونه‌های مختلف آرای مرتبط با عدالت در شهر به این نتیجه می‌رسد که معیارهای اصلی شهر عدالت‌محور عبارت‌اند از: ۱) برابری[1] ۲) مردم‌سالاری[2] ۳) تنوع[3](سعیدی رضوانی و نوریان، ۱۳۹۳: ۵۱).

در جهت تقویت برابری:

۱) تمامی توسعه‌ی مساکن جدید باید واحدهایی برای خانوارهای با درآمد کم‌تر از متوسط در محل پروژه‌ی اصلی یا خارج از آن ارائه کند، این کار باهدف ارائه‌ی یک مسکن مناسب و محیط زندگی مطلوب برای همه انجام می‌گیرد.

۲) واحدهای مسکونی‌ای که به‌صورت مقرون‌به‌صرفه احداث شده‌اند، باید برای همیشه در زمره‌ی ذخایر مسکن مقرون‌به‌صرفه باقی بمانند یا این‌که برای طرح‌های جابه‌جایی خانه به‌جای خانه استفاده شوند.

۳) خانوارها یا کسبه نباید به‌طور غیرارادی به‌منظور به دست آوردن توسعه‌ی اقتصادی و یا توازن اجتماع به‌جز در شرایط استثنایی جابه‌جا شوند. هنگامی‌که برای احداث تسهیلات عمومی، بهبود کیفیت مسکن یا افزایش تراکم برای افزایش ظرفیت جمعیت‌پذیری، جابه‌جایی موردنیاز است، غرامت کافی باید پرداخت شود تا افرادی که جابه‌جاشده‌اند(چه مستأجران چه مالکان)

[1]equity
[2]democracy
[3]diversity

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

بتوانند واحدهای مسکونی یا تجاری معادل با آن‌چه قبلاً داشته‌اند،تهیه کنند. بازسازی[1] محله باید به‌تدریج انجام شود، به‌طوری‌که فضای موقت[2] در مجاورت محل برای خانوارهای جابه‌جاشده که قصد ماندن در همان مکان دارند، در دسترس باشد.

۴) برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی باید به نفع کارگران و کارمندان باشد و تا جای ممکن به کسب‌وکارهای کوچک اولویت دهد. تمام توسعه‌های تجاری جدید باید فضایی برای کاربری‌های عمومی ارائه دهد و تا جای ممکن امرارمعاشکسب‌وکارهای مستقل و تعاونی را تسهیل کند.

۵) ابرپروژه‌ها[3]باید موردبررسی موشکافانه قرار گیرند تا اطمینان حاصل شود که منافع مستقیمی را در قالب اشتغال‌زایی، افزایش امکانات رفاه عمومی و ارائه‌ی حداقل دست‌مزد، عاید کم‌درآمدها می‌کنند. اگر به پروژه، یارانه‌ی عمومی نیز تعلق‌گرفته باشد، باید مشارکت عمومی در سود پروژه نیز وجود داشته باشد؛ابرپروژه‌ها باید گام‌به‌گام احداث شوند و در ساخت آن‌ها به جای استفاده از شرکت بزرگ انحصاری،از چندین شرکت سازنده استفاده شود.

۶) کرایه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری باید بسیار پایین نگه‌داشته شوند. افراد کم‌درآمد، بی-نهایت به حمل‌ونقل عمومی وابسته هستند.

۷) برنامه‌ریزان باید نقشی فعال در ارائه‌ی مشاوره‌های هدف‌مند و حساب‌شده برای عرضه‌ی راه‌حل‌های مساوات‌طلبانه و ممانعت از اتخاذ راه‌حل‌هایی که کاملاً به نفع ثروتمندان است، ایفا نمایند(فاینستاین، ۲۰۱۰: ۱۷۲-۱۷۳).

افزایش مسکن قابل‌استطاعت ضروری‌ترین نیاز است؛ اما تا زمان بحران‌های اقتصادی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ بیش‌تر شهرها به‌جای آن‌که مقدار محدودی مسکن اقشار کم‌درآمد را فراهم کنند، درگیر ابرپروژه‌ها شده بودند. اگرچه هدف بسیاری از این پروژه‌ها ارائه‌ی مساکن جدید و باکیفیت بالا و شامل نسبتی از واحدهای کم‌هزینه و قابل‌استطاعت بود، اما آن‌ها عمدتاً درگیر تحولات ترکیب اجتماعی[4] مناطق تحت تأثیر هستند و توسط گروه‌های با درآمد بالا تصاحب خواهند شد. مسایل مالی دلیل عمده‌ی به تعویق‌افتادن تحقق کامل پروژه‌های مسکن و توسعه‌ی تجاری هستند(فاینستاین، ۲۰۱۰: ۱۷۴-۱۷۳).

[1]reconstruction
[2] interim space
[3]megaprojects

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در جهت تقویت تنوع:

۱) خانوارها نباید به خاطر ایجاد تنوع بیش‌تر جابه‌جا شوند. هم‌چنین نباید جوامع محلی جدیدی ایجاد شوند که موجب افزایش جدایی‌گزینی اجتماعی شود؛

۲) ضوابط پهنه‌بندی نباید برای مقاصد تبعیض‌آمیز به‌کار گرفته شوند؛ بلکه باید باعث تقویت فراگیرندگی اجتماعی گردند؛

۳) مرزهای بخش‌های مختلف شهر باید نفوذپذیر باشند؛

۴) فضاهای عمومی فراوان و متنوع باید در دسترس عموم باشد. جایی که فضاهای عمومی توسط اشخاص یا گروه‌های خصوصی ارائه می‌شود، گفت‌وگو و سخنرانی‌های سیاسی نباید در آن فضاها ممنوع شود؛هم‌زمان باید دقت شود که گروه‌هایی که دارای سبک زندگی متعارض با یکدیگر هستند، در یک مکان جای نگیرند؛

۵) کاربری زمین تااندازه‌ای که برای مردمِ متأثر از طرح، مطلوب و عملی باشد، باید به‌صورت مختلط تعریف شود؛

۶) مقامات دولتی باید از گروه‌هایی که در طول تاریخ براثر تبعیض از دسترسی به فرصت‌هایی هم‌چون مسکن، آموزش و اشتغال محروم بوده‌اند، حمایت کند(فاینستاین، ۲۰۱۰: ۱۷۴-۱۷۳).

قوام آنتونی آپیا[1] که از اصطلاح "جهان‌وطنی[2]" برای بیان دیدگاه خود در ارتباط با چیزی که ما آن را تنوع می‌نامیم، استفاده می‌کند، دو رشته‌مفهوم را شناسایی کرده است: ۱) ما به دیگرانی تعهد داریم که با ما کششی فراتر از ارتباطات خونی و یا ملیتی دارند؛ ۲) ما به‌طورجدی ارزش‌های زندگی دیگران را ازجمله اعمال و اعتقادات مورد عـلاقه‌یمان که اهمیت آن ارزش‌ها را گوشزد می‌کنند، برمی‌گزینیم. توجه به تنوع نشان‌دهنده‌ی آن نیست که مردمی که باهم کنار نمی‌آیند در کنار یکدیگر زندگی کنند؛درواقع مردم حق‌دارند خود را از دیگرانی که به شیوه‌ی زندگی آن‌ها احترام نمی‌گذارند، حفاظت کنند. چیزی که اهمیت دارد این است که مردم نباید با توجه به ویژگی‌های شناخته‌شده‌ای هم‌چون جنسیت، قومیت و بی‌خانمانی متمایز و یا حذف شوند(فاینستاین، ۲۰۱۰: ۱۷۵-۱۷۴).

[1]Kwame Anthony Appiah
[2]cosmopolitanism

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

در جهت تقویت دموکراسی :

۱) گروه‌هایی که نمی‌توانند به‌طور مستقیم در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند، باید نمایندگانی را به این منظور معرفی کنند.

۲) برنامه‌های توسعه‌ی شهری در بافت‌های موجود باید با مشاوره با جمعیت هدف تهیه شود. با این حال، جمعیت کنونی محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی نباید تنها ملاک توسعه‌ی آتی محدوده باشد. ملاحظات مربوط به‌کل شهر نیز باید موردتوجه قرار بگیرد.

۳) در مورد برنامه‌ریزی برای محدوده‌هایی که دارای سکنه نبوده یا دارای نقاط مسکونی پراکنده و کم‌جمعیت هستند، باید مشاوره‌های گسترده‌ای با نمایندگان گروه‌هایی که در حال حاضر در مجاورت محدوده‌ی مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، انجام پذیرد(فاینستاین، ۱۷۵:۲۰۱۰).

نیازی نیست انتظار سطح بالایی از مشارکتِ مردمی داشته باشید که تمایلی به مشارکت ندارند. هدف ازلحاظ‌کردن دیدگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها باید به‌جای ارزش‌گذاری مشارکت به‌طور فی‌نفسه، نمایندگی‌کردن منصفانه منافع باشد. اگر عدالت هدف است، نیاز به دموکراسی ابزار است؛ پس بحث‌های ما، به‌منظور دست‌یابی به عدالت است نه خیر[1] و درنتیجه نسبت به برابری اولویت کمتری به دموکراسی می‌دهیم(فاینستاین، ۱۷۵:۲۰۱۰).

جست‌وجوی اهداف و راهبردهای عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری بریتانیا و امریکا:

به منظور ارائه‌ی چارچوب مشخص درزمینه‌ی عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری ابتدا باید حوزه‌های معطوف به عدالت در طرح‌ها مشخص گردند تا از طریق صورت‌بندی ویژگی‌های کاربردی عدالت در هر حوزه،راهبردهای برنامه‌ریزی عدالت‌محور به تفکیک آن‌ها مشخص گردد. ازاین‌رو ابتدا از طریق واکاوی طرح‌های توسعه‌ی شهری در کشورهای آمریکا و انگلیس و استخراج حوزه‌های هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری، حوزه‌های مشترک در طرح‌های توسعه‌ی شهری مشخص می‌گردند و در ادامه با بیان ویژگی‌های موردنظر برای برقراری عدالت در هر

[1] the good

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

حوزه، بر اساس مبانی نظری ارائه‌شده، جمع‌بندی رویکردهای نظری بر اساس حوزه‌های مداخله در طرح‌های توسعه‌ی شهری مشخص خواهند شد.

برای مطالعه در زمینه‌ی ابعاد مختلف طرح‌های توسعه‌ی شهری در کشورهای انگلیس و ایالات متحده آمریکا،طرح‌های زیر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:طرح‌های توسعه‌ی راهنمای عمل صحیح (وزارت محیط‌زیست، حمل‌ونقل و مناطق شهری انگلستان، ۱۳۸۷)؛ طرح توسعه‌ی استراتژیک فضایی لندن(بالاترین مقام لندن[1]، ۲۰۱۵)؛ طرح توسعه‌ی استراتژیک آکسفورد تا سال ۲۰۲۶ (شورای شهر آکسفورد[2]، ۲۰۱۱)؛طرح توسعه‌ی شهر بیرمنگهام(شورای شهر بیرمنگهام، ۲۰۱۳)؛ استانداردهای طراحی و برنامه‌ریزی شهری آمریکا(انجمن برنامه‌ریزان آمریکا، استاینر و بوتلر[3]، ۲۰۱۲: ۶)؛ طرح توسعه و شهر عدالت‌محور نیویورک(دفتر شهردار نیویورک[4]، ۲۰۰۷)؛ طرح عمومی شهر لس‌آنجلس(گروه برنامه‌ریزی شهر لس آنجلس[5]، ۲۰۱۵)؛ طرح جامع آتلانتا(گروه برنامه‌ریزی و توسعه‌ی اجتماع محلی آتلانتا[6]، ۲۰۱۱) که در مجموع مباحثی هم‌چون مسکن، حفاظت محیط طبیعی، اقتصاد روستایی، اقتصاد شهری، حمل‌ونقل، تولید انرژی، تغییرات اقلیمی، فضاهای شهری، کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی، کاربری زمین، خدمات و زیرساخت‌های عمومی و منابع طبیعی و فرهنگی در طرح‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته بود که براساس اشتراکات و توجهات عمده در این طرح‌ها و براساس دسته‌بندی اولیه‌ی مقاله که عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری به عدالت فرآیندی و محتوایی تقسیم کردیم، عدالت را در محتوای طرح‌های توسعه‌ی شهری می‌توان در پنج حوزه‌ی کاربری زمین، مسکن، حمل‌ونقل، اقتصاد و خدمات عمومی قرار داد.

کاربری زمین

نظریه‌ی معاصر نحوه‌ی استفاده از اراضی شهری، در موقعیت خاصی قرار دارد. تحلیل‌ها و نظریه‌های موجود در این زمینه، یا تنها به ارزش مصرفی می‌پردازند(از طریق بررسی شیوه‌های زندگی) و یا فقط ارزش مبادلاتی(سازوکارهای بازار) را بررسی می‌کنند؛ اما با توجه به این نکته که

[1]Greater London Authority
[2] Oxford City Council
[3] American Planning Association, Steiner, & Butler
[4]New York City (NYC) Office of the Mayor
[5] Los Angeles City Planning Department
[6] Atlanta Planning & Community Development Department

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

قطعات زمین در شهر محدود هستند، بدین ترتیب نظریه‌ی نحوه‌ی استفاده از اراضی شهری به شکل مسأله‌ی "اشغال تدریجی فضا"درمی‌آید(هاروی، ۱۳۷۶: ۱۷۳-۱۶۳). در تجربیات جهانی مطالعه‌شده به‌منظور حذف مسأله‌ی اشغال تدریجی فضا در کاربری‌های غیرمسکونی سیاست‌های ضعیفی ارائه‌شده است و تنها به ارائه‌ی چند سیاست بینابینی هم‌چون دسترسی به فضاهای کار و اشتغال برای همه، استقرار فعالیت‌های تجاری و اشتغال در مکان‌های رقابتی و ترویج فرصت‌های اقتصادی قوی برای همگان، آن‌هم تنها برای شهر لندن اکتفا شده است؛ اما هم‌چنان اهمیت مسأله‌ی اشغال تدریجی فضا برای کاربری‌ها مختلف برای دست‌یابی به برنامه‌ریزی عادلانه پابرجاست.

مسأله‌ی موردتوجه دیگر در برنامه‌ریزی کاربری زمین، ایجاد تنوع و اختلاط در کاربری‌ها بر اساس سطوح فضایی است. تنوع کاربری‌ها نه‌تنها سبب جذاب‌ترشدن شهرها می‌شود، بلکه بهره‌وری اقتصادی را نیز افزایش خواهد داد و رشد اقتصادی شهر را تقویت خواهد کرد(فاینستین، ۲۰۱۰). در تمامی طرح‌های توسعه‌ی شهری، اختلاط کاربری‌ها در محلات موجود و توسعه‌های جدید مورد تأکید قرارگرفته است و از طریق سیاست‌هایی هم‌چون مشوق‌های مالی، زمین‌های قابل‌معاوضه، تغییر در ضوابط و مقررات و طبقه‌بندی کاربری زمین، منطقه‌بندی دربرگیرنده و دسترسی به کاربری‌های مختلط از طریق حمل‌ونقل عمومی اجرایی خواهند شد.

مسکن

اولین مبحث در حوزه‌ی مسکن جهت دست‌یابی به عدالت شهری، دست‌یابی تمامی افراد و گروه‌های جامعه به سطوح مختلف مسکن است که با توجه به آسیب‌پذیرتر بودن گروه‌های کم‌درآمد و با درآمد متوسط بیش‌ترین توجه در جهت تأمین مسکن متعلق به این گروه‌هاست. در طرح‌های توسعه‌ی شهری ارائه‌شده توجه به مسکن قابل‌استطاعت از اهمیت بالایی برخوردار است و با سیاست‌هایی به شرح زیر چارچوب‌بندی شده‌اند: ساخت مسکن قابل‌استطاعت در زمین‌های عمومی؛ توسعه‌ی استراتژی‌های جدید تأمین مالی مساکن قابل‌استطاعت، توسعه‌ی مساکن در زمین‌های رهاشده؛ سنجش و ارزیابی انتخاب‌های واقعی ساکنان برای دست‌یابی به مسکن؛ اجاره‌ی اجتماعی؛ اجاره‌ی قابل‌استطاعت؛ مسکن متوسط؛ ممانعت برای از دست دادن مسکن قابل‌استطاعت ساکنان و یا ارائه‌ی جای‌گزین برای خانوارهایی که مسکن خود را ازدست داده‌اند؛ تخصیص یارانه به ساخت و سازگران انبوه بر اساس میزان تأمین مسکن قابل‌استطاعت؛تأمین مسکن حمایتی؛ جلوگیری از افزایش بی‌خانمان‌ها؛ صندوق ذخیره‌ی مالی مسکن و صندوق‌های محلی مسکن قابل‌استطاعت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

درزمینه‌ی ایجاد تنوع در مسکن نیز سه سطح تنوع درآمدی، اجتماعی، قومی و نژادی و تنوع در گونه‌بندی ارائه شده‌اند که طرح‌های توسعه‌ی شهری با سیاست‌های زیر به این اهداف دست یافتند: توجه به زمینه‌های کالبدی متغیر هر منطقه در تأمین مسکن؛ توجه به ویژگی‌های محلی؛ توجه به نیازهای کودکان و سال‌مندان در طراحی مسکن؛ شناسایی الزامات مسکن گروه‌های مختلف؛ طراحی مسکن متناسب با نیازهای افراد معلول؛ تخصیص یارانه‌ها به توسعه‌دهندگان بر اساس نوع و اندازه‌ی مسکن قابل‌استطاعت؛ جانمایی بلوک‌های ترکیبی مسکن متشکل از انواع گوناگون مسکن؛ مساکن تخصصی بر اساس سن و نیاز افراد و گروه‌های مختلف.

حمل‌ونقل

برابری همه‌ی افراد در دسترسی به سطوح حمل‌ونقل،به‌خصوص حمل‌ونقل عمومی به‌عنوان معیار اصلی عدالت در حوزه‌ی حمل‌ونقل در نظرگرفته‌شده است و تجربیات ارائه‌شده، سیاست‌هایی را به‌منظور تحقق این امر ارائه می‌کنند: توسعه‌ی حمل‌ونقل محور در سطح محلات؛ افزایش ظرفیت در مسیرهای کلیدی و پرازدحام؛ گسترش دسترسی حمل‌ونقلی به مناطق محروم و اصلاح ضوابط منطقه‌بندی برای دسترسی به سطوح مختلف حمل‌ونقلی.

معیار دیگر توجه ویژه به حمل‌ونقل عمومی و شیوه‌های مختلف و متنوع حمل‌ونقلی است که حمل‌ونقل ارزان‌قیمت را برای ساکنان شهر فراهم آورد که با توجه به تجربیات ارائه‌شده می‌توان سیاست‌هایی را به شرح زیر برای دست‌یابی به آن‌ها برشمرد: افزایش گزینه‌های حمل‌ونقلی؛ گسترش و بهبود خدمات اتوبوس‌رانی؛ استفاده از مشارکت سرمایه‌گذاران در بهبود حمل‌ونقل عمومی؛ اتصال مراکز شهری از طریق حمل‌ونقل عمومی؛ استفاده از دوچرخه و پیاده در داخل و خارج شهر؛ تأمین زیرساخت‌های جاده‌ای برای پشتیبانی از حمل‌ونقل عمومی؛ احداث مسیرهای جدید و بهبود مسیرهای موجود برای اولویت پیاده و دوچرخه؛ بهبود ایمنی پیاده‌راه‌ها؛ ارتقاء پارکینگ و امکانات و زیرساخت‌های دوچرخه‌سواری؛ دسترسی به دوچرخه‌های امانی و کرایه‌ای؛ جانمایی مراکز محله‌ای در فاصله‌ی پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری؛ بهبود خدمات بازار حمل‌ونقل و فرهنگ‌سازی در جهت استفاده‌ی بیش‌تر از حمل‌ونقل عمومی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

اقتصاد

از جمله معیارهای عدالت شهری، برنامه‌ها و سازوکارهای کمک توسط بخش دولتی برای بازتوزیع سرمایه به نیروی کار است. رقابت اقتصادی بین مکان‌ها براساس قدرت سرمایه و قدرت مبادله در بازار و گردش ارزش اضافی که ناشی از تفاوت بین ارزش مصرفی و ارزش مبادلاتی است، سبب بروز ناعدالتی در شهر هستند که دولت و مقامات محلی باید برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنند. تجربیات جهانی درزمینه‌ی اقتصاد در طرح‌های توسعه‌ی شهری حاکی از آن است که سیاست‌های اقتصادی بیش‌تر از آنکه معطوف به باز توزیع منابع در جهت دست‌یابی به عدالت باشد به توسعه و تقویت بنیان‌های اقتصادی شهر توجه دارد و سیاست‌های بازتوزیعی تنها اهداف کلانی هم‌چون تخصیص یارانه به ساخت‌وسازگران انبوه برای احداث مساکن قابل‌استطاعت و تخصیص بودجه‌های مالی برای توسعه‌ی حمل‌ونقل را شامل می‌شوند؛ اما درزمینه‌ی دسترسی به فرصت‌های اقتصادی عادلانه در شهرها، سیاست‌هایی به شرح زیر در تجربیات جهانی به چشم می‌خورد: ایجاد دسترسی به فرصت‌های اقتصادی عادلانه و مشاغل پردرآمد؛تأمین دسترسی به فرصت‌های کار و اشتغال برای نواحی با اقتصاد متغیر[1]؛ دسترسی به آموزش مهارت‌ها برای همگان؛ ترویج فرصت‌های اقتصادی متنوع برای همه؛ بهبود شبکه‌ی حمل‌ونقل به‌منظور دسترسی به فرصت‌های شغلی؛ حفظ و بهبود ساختار رقابتی کالاها و خدماتی که به‌راحتی برای همه‌ی ساکنان قابل‌دسترس است.

خدمات عمومی

اولین اصل در برنامه‌ریزی عادلانه‌ی خدمات عمومی، مجاورت و دسترسی ساکنان به این خدمات است که در طرح‌های توسعه‌ی شهری، سیاست‌هایی به شرح زیر برای دست‌یابی به آن در نظر گرفته‌شده است: دسترسی به پارک‌های محلی در یک فاصله‌ی پیاده‌روی ۱۰دقیقه‌ای؛ اختصاص حیاط مدارس برای زمین بازی عمومی؛ افزایش ساعات استفاده از فضاهای عمومی موجود؛ گسترش دسترسی به شیر مادر برای نوزادان با گسترش دسترسی به مراکز مراقبتی نوزادان؛ گسترش دسترسی به مراقبت‌های اولیه و کلینیک‌های سلامت؛ گسترش نقاط دسترسی برای سلامت روانی و

[1]changing economy

نواحی‌ای از شهر که شامل طیف متنوعی از فعالیت‌های اقتصادی و خلاقانه است

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

مراقبت‌های سوءمصرف مواد مخدر، اطمینان از دسترسی به امکانات ورزشی و تفریحی مقرون‌به‌صرفه؛ افزایش دسترسی به فعالیت‌های ورزشی و بدنی؛ دسترسی به فضاهای باز عمومی و فضای بازی کودکان در فاصله‌ی ۴۰۰ متری؛ دسترسی به فضاهای چندمنظوره از طریق پیاده و دوچرخه.

دومین اصل برای تخصیص عادلانه‌ی خدمات عمومی، عرضه‌ی کالاهای ناخالص عمومی است که برای همه‌ی افراد جامعه منفعت دارد که می‌توان سیاست‌هایی به شرح زیر برای آن برشمرد: ارائه‌ی زمین‌ها و حوزه‌های چندمنظوره[1]؛ ایجاد یا افزایش میدان‌های عمومی در هر اجتماع محلی؛ خانه‌های سلامت برای زنان در محله؛ گسترش بیمارستان‌های دوست‌دار کودک؛ ارائه‌ی دوره‌های پیش‌دبستانی رایگان؛ برنامه‌ی جامع مراقبت از کودکان؛ تبدیل مدارس به اجتماع مدارس[2]؛ تأسیس محلات قطب سلامت؛ بهبود کیفیت مواد غذایی تمام مدارس سطح شهر؛ افزایش فرصت برای فعالیت‌های فیزیکی و افزایش انتخاب‌های آموزشی.

[1]multi-purpose felds
[2]Community Schools

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

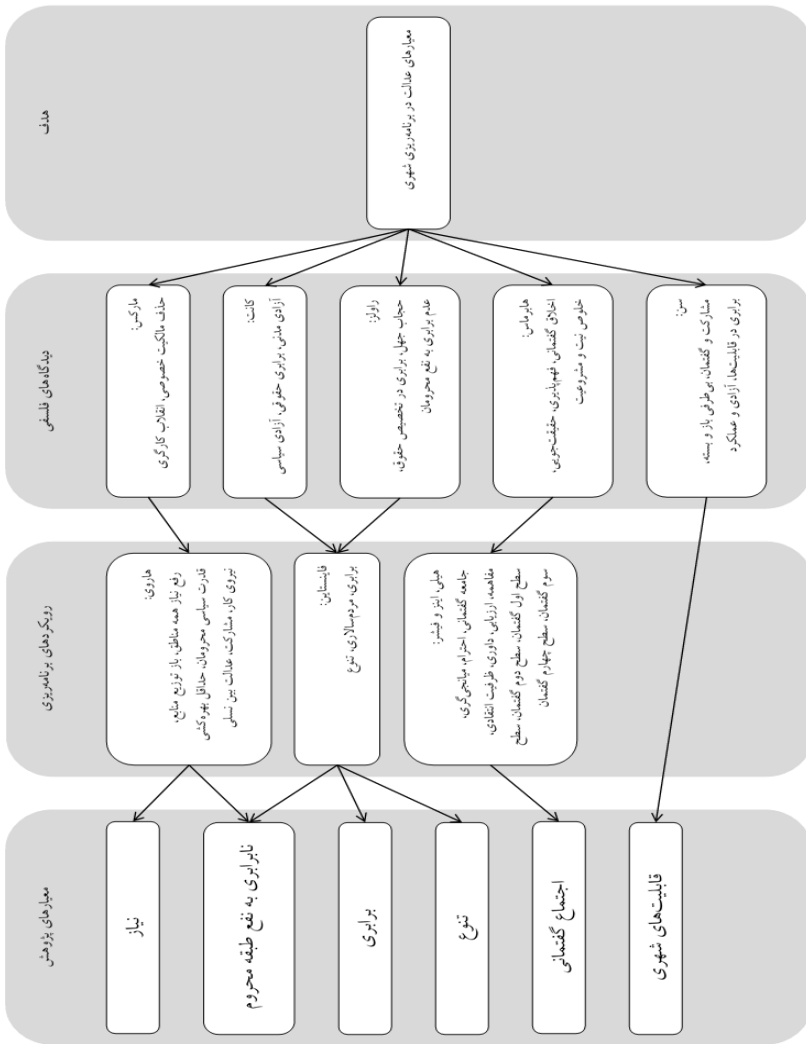

یافته‌های پژوهش

معیارها، اهداف کلان و راهبردهای تحقق آن در طرح‌های توسعه‌ی شهری

با توجه به چارچوب مفهومی ارائه‌شده،شش معیار "نیاز، نابرابری به نفع طبقه‌ی محروم، برابری، تنوع، اجتماع گفتمانی و قابلیت‌های شهری" باید به‌عنوان معیارهای جامع برنامه‌ریزی شهر عدالت‌محور در نظر گرفته شوند. از بین این شش معیار برای تدوین معیارهای عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری، تنها معیار اجتماع گفتمانی که کاملاً به بیان عدالت فرآیندی در

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

طرح‌های توسعه‌ی شهری می‌پردازد، در نظر گرفته نشده است.با جست‌وجو و تحلیل محتوای طرح‌های توسعه‌ی شهری مورد بررسی و استفاده از بحث‌های نظری صورت گرفته، اهداف کلان در زیرمجموعه‌ی هر یک از معیارهاتدوین شدند(ن.ک.به جدول شماره‌ی۳).

جدول شماره‌ی سه- معیارها و اهداف راهبردی عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری

معیار	اهداف کلان
نیاز	تأمین خدمات عمومی برای تمامی نقاط شهر بر اساس نیاز ساکنان و کمبودهای موجود.
	تأمین کاربری‌های موردنیاز ساکنان بر اساس سلسه‌مراتب توزیع فضایی آن‌ها.
	تأمین زیرساخت‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و حمل‌ونقلی به‌منظور توسعه‌ی همگون و یکپارچه‌ی محلات مختلف شهر.
	تأمین مسکن موردنیاز شهر بر اساس خواسته‌ها و نیاز ساکنان حال و آینده.
	اشتغال‌زایی و توسعه‌ی اقتصادی شهر به‌منظور جذب ظرفیت‌های جویای کار شهرها با تأکید بر کسب‌وکارهای کوچک و در صورت عدم امکان توسعه در کوتاه‌مدت، سامان‌دهی و توان‌مندسازی مشاغل و کسب‌وکارهای موجود.
نابرابری به نفع طبقه‌ی محروم	برنامه‌ریزی برای اشغال تدریجی فضایی کاربری‌ها و امکان دست‌یابی طبقه‌ی محروم هم‌زمان با سایرین.
	برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی مسکن قابل‌استطاعت.
	ارائه‌ی طرح‌های ویژه برای دست‌یابی اقشار ضعیف جامعه به کالاهای ناخالص عمومی.
برابری	افزایش توان دسترسی تمام افراد جامعه به مسکن و محیط مطلوب مسکونی.
	برنامه‌ریزی برای تخصیص سود پروژه‌های کلان‌شهری به‌تمامی اقشار جامعه.
	تأمین امکان دسترسی یک‌سان و برابر به خدمات و تسهیلات عمومی و ارائه‌ی این خدمات به‌صورت ارزان‌قیمت.
	تأمین فرصت‌های اقتصادی یک‌سان و برابر برای تمامی ساکنان شهر.
تنوع	تضمین تنوع در برنامه‌ریزی و طراحی واحدهای مسکونی.
	تضمین تنوع در شیوه‌های حمل‌ونقل.
	تضمین تنوع در طراحی و ضوابط منطقه‌بندی کاربری و تخصیص کاربری‌های مختلط.
	برنامه‌ریزی برای برقراری تنوع اجتماعی، قومیتی و فرهنگی و جلوگیری از جدایی‌گزینی.
قابلیت‌های شهری	تضمین قابلیت انتخاب و تنوع در فرصت‌های اقتصادی شهر.
	تضمین قابلیت انتخاب و تنوع در وضعیت‌های اجتماعی شهر.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

جمع بندی و نتیجه‌گیری

با تدوین اهداف کلان بر اساس معیارهای پنج‌گانه‌ی مورد استفاده در شناسایی و تحلیل عدالت محتوایی در طرح‌های توسعه‌ی شهری در این مقطع با مراجعه به طرح‌های توسعه‌ی شهری، موضوع مطالعه‌ی راهبردها و سیاست‌های تحقق آن اهداف و معیارها فهرست‌شدنی است. این راهبردها و سیاست‌های الگو که بخشی از آن‌ها می‌تواند در طرح‌های توسعه‌ی شهری کشور ما نیز به کار رود، یا حداقل به‌عنوان یک سرمشق برای درس‌آموزی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. در پنج عرصه‌ی اصلی، برنامه‌ریزی شهری به شرح زیر قابل بحث است:

کاربری زمین

- تأمین کاربری‌های موردنیاز ساکنان بر اساس سلسه‌مراتب توزیع فضایی آن‌ها؛
  - باید نیازهای هر محله، ناحیه و منطـقه به کاربری‌های گوناگون شناسایی شوند و برنامه‌های پیشنهادی به‌منظور تأمین این نیازها ارائه گردند.
  - نیازسنجی باید بر اساس جمعیت موجود و آینده باشد تا بتواند پاسخ‌گوی توسعه‌های آتی شهر نیز باشد.
- برنامه‌ریزی برای اشغال تدریجی فضایی کاربری‌ها و امکان دست‌یابی هم‌زمان طبقه‌ی محروم با سایرین؛
  - کاربری‌هایی که طبقات کم‌درآمد و با درآمد متوسط در هر منطقه امکان دست‌یابی به آن‌ها را ندارند، باید شناسایی شوند.
  - در یک برنامه‌ریزی نابرابر با تکیه‌بر توانایی مالی طبقات محروم، باید شیوه‌های دست‌یابی به این کاربری‌ها به شکل قابل‌استطاعت و خارج از توزیع بازار به‌موازات دست‌یابی سایر طبقات فراهم گردد.
- برنامه‌ریزی برای تخصیص سود پروژه‌های کلان‌شهری به‌تمامی اقشار جامعه؛
  - در تمامی توسعه‌های بزرگ تجاری جدید، ساخت‌وسازگران بزرگ باید در اطراف پروژه، زمین‌هایی برای کاربری خدمات عمومی با دسترسی آزاد برای تمامی اقشار جامعه تأمین کنند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

- پروژه‌های کلان تجاری نباید سبب تخریب کسب‌وکارهای کوچک‌مقیاس شوند و در صورت تخریب و یا ضرر به آن‌ها، باید شیوه‌های دسترسی صاحبان این کسب‌وکارها به واحدهای تجاری در پروژه‌های کلان ارائه گردد.
- در تمامی توسعه‌های مسکونی جدید باید واحدهایی برای کم‌درآمدها در نظر گرفته شود. از طریق سیاست‌های گوناگون هم‌چون اعطای یارانه، وام و غیره می‌توان دست‌یابی به این هدف را ترغیب نمود.
- پروژه‌های کلان‌شهری نباید سبب جابه‌جایی ساکنان یک منطقه شود؛ مگر در صورت رضایت ساکنان و تأمین محل سکونتی حداقل برابر با شرایط موجود در نقطه‌ای دیگر از شهر قبل از جابه‌جایی ساکنان و نکته قابل‌توجه تأکید بر ابعاد پایداری زیست‌محیطی در این جابه‌جایی‌هاست.

- تضمین تنوع در طراحی و ضوابط منطقه‌بندی کاربری و تخصیص کاربری‌های مختلط؛
  - شناسایی نواحی و محلاتی که اختلاط کاربری کم‌تری در آن به چشم می‌خورد.
  - ارائه‌ی مشوق‌های مالی به‌منظور ترغیب ساکنان برای افزایش و تقویت اختلاط کاربری.
  - ارائه‌ی ضوابط و مقررات کاربری در جهت ایجاد و تقویت تنوع در کاربری‌ها.
  - ساکنان نباید به‌منظور ایجاد تنوع بیش‌تر، جابه‌جا شوند؛ مگر از طریق ارائه‌ی مشوق‌هایی هم‌چون زمین‌های قابل‌واگذاری حداقل برابر با ارزش زمین‌های موجود و یا پرداخت غرامت بیش از هزینه‌ی زمین‌های واگذارشده؛ اما این تغییر کاربری‌ها در جهت افزایش تنوع نباید از سطوح کاربری‌های عمومی و کاربری‌های دارای ارزش زیست‌محیطی کم کند.
  - تضمین دسترسی ساکنان نواحی و محلاتی که امکان افزایش اختلاط در آن‌ها وجود ندارد، به نواحی مختلط از طریق حمل‌ونقل عمومی و ارزان‌قیمت.

مسکن و محلات

- تأمین مسکن موردنیاز شهر بر اساس خواسته‌ها و نیاز ساکنان حال و آینده؛
  - برآورد نیاز به مسکن برای ساکنان موجود و آینده‌ی شهر بر اساس دهک‌های درآمدی گوناگون و خط فقر مسکن.
  - شناسایی خواسته‌های ساکنان موجود و آتی شهر بر اساس نوع مسکن، کیفیت مسکن، هزینه‌های مسکن و غیره.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

- تأمین زیرساخت‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی به منظور توسعه‌ی همگون و یکپارچه‌ی محلات مختلف شهر؛

○ نواحی و محلاتی که از کمبود زیرساخت‌های کالبدی هم‌چون آب، برق، گاز و غیره رنج می‌برند، باید شناسایی شوند و برنامه‌های لازم برای تأمین زیرساخت‌ها در این محلات ارائه شود.

○ برنامه‌ریزی به‌منظور توان‌مندسازی اجتماع محلی در جهت تقویت یکپارچگی درون-محله‌ای و بین محله‌ای و جلوگیری از تفکیک اجتماعی محلات.

- برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی مسکن قابل‌استطاعت؛

○ سنجش و ارزیابی انتخاب‌های واقعی ساکنان برای دست‌یابی به مسکن و برنامه‌ریزی برای مسکن قابل‌استطاعت.

○ ارائه‌ی شیوه‌های متنوع مسکن قابل‌استطاعت به‌منظور تأمین نیازهای متفاوت گروه‌های هدف هم‌چون اجاره‌ی قابل‌استطاعت، اجاره‌ی اجتماعی، مسکن متوسط و غیره.

○ واحدهای مسکونی قابل‌استطاعت باید برای همیشه در زمره‌ی ذخایر مسکن قابل‌استطاعت باقی بمانند و مانع از دست‌دادن مساکن قابل‌استطاعت شد، مگر این‌که برای طرح‌های جای‌گزین مسکن مورداستفاده قرار گیرند.

○ مشخص‌نمودن وظایف هر سازمان و نهاد برای دست‌یابی به مسکن قابل‌استطاعت در شهر.

- تضمین تنوع در برنامه‌ریزی و طراحی واحدهای مسکونی؛

○ برنامه‌ریزی برای تقویت تنوع در مساکن ارائه‌شده بر اساس گروه‌های مختلف درآمدی و ویژگی‌های اقتصادی ساکنان.

○ برنامه‌ریزی برای ایجاد و تقویت تنوع اجتماعی، قومی و نژادی در دست‌یابی به مسکن محلات مختلف شهر.

○ ایجاد تنوع در تیپ‌بندی و گونه‌بندی مساکن ارائه‌شده در طرح‌های توسعه‌ی شهری.

○ ارائه‌ی ضوابط و مقررات طراحی واحد مسکونی متناسب با نیاز افراد معلول، سال‌مندان و کودکان.

- افزایش قابلیت انتخاب و تنوع در وضعیت‌های اجتماعی شهر؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

○ برنامه‌ریزی به‌منظور برابری جنسیتی در دست‌یابی به فرصت‌های اجتماعی در شهر، به‌گونه‌ای که زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی شهر فرصت‌های انتخاب گسترده‌ای داشته باشند.

○ برنامه‌ریزی برای افزایش فرصت انتخاب آزادانه بر اساس ریشه‌های نژادی، قومیتی و مذهبی، هم‌چون تخصیص فضاهایی برای اقلیت‌های مذهبی یا قومیتی.

○ برنامه‌ریزی برای توان‌مندساختن افراد برای زندگی در کنار دیگران و برای شرکت‌کردن در اشکال مختلف تعاملات اجتماعی هم‌چون ایجاد فضایی در محلات برای تقویت تعاملات اجتماعی، گرده‌همایی‌های سیاسی و هم‌فکری اجتماعی.

○ ایجاد فرصت‌های اجتماعی با توجه به محرومیت‌های اجتماعی افراد و گروه‌های مختلف هم‌چون ایجاد فرصت‌های اجتماعی برای ناتوانان و کم‌توانان جسمی.

حمل‌ونقل

- تأمین زیرساخت‌های حمل‌ونقلی به‌منظور توسعه‌ی همگون و یکپارچه‌ی محلات مختلف شهر؛

○ شناسایی محلات و نواحی کم‌تر توسعه‌یافته درزمینه‌ی حمل‌ونقل، به‌خصوص حمل‌ونقل عمومی و تأمین زیرساخت‌های لازم در جهت تقویت و بهبود آن.

○ تأمین زیرساخت‌های لازم در جهت پیوند و ارتباط منسجم محلات با یکدیگر از طریق حمل‌ونقل عمومی.

- برابری در دست‌یابی به حمل‌ونقل عمومی؛

○ ارتباط و هم‌پیوندی مراکز محله‌ای و شهری از طریق حمل‌ونقل عمومی ارزان‌قیمت.

○ پایین‌نگه‌داشتن کرایه‌ی حمل‌ونقل عمومی به دلیل وابسته‌بودن اقشار کم‌درآمد به این نوع حمل‌ونقل.

○ ارائه‌ی راهبردهای حمایتی برای دسترسی فقرا، سال‌مندان و نیازمندان به حمل‌ونقل عمومی هم‌چون ارائه‌ی بن‌های تخفیفی حمل‌ونقل عمومی.

○ تقویت سیاست‌های بازتوزیعی در بخش حمل‌ونقل هم‌چون اخذ مالیات و عوارض از خودروهای شخصی و هزینه در حمل‌ونقل عمومی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

- افراد معلول و کم‌توان جسمی که امکان استفاده از حمل‌ونقل عمومی را ندارند باید از مالیات و عوارض معاف شوند.

● ایجاد تنوع در شیوه‌های حمل‌ونقل؛

- ارائه‌ی گزینه‌های متنوع حمل‌ونقل بر اساس سطوح و دهک‌های مختلف درآمدی ساکنان شهر.
- ارائه و تقویت شیوه‌های متنوع حمل‌ونقل ارزان‌قیمت و قابل‌دسترس برای همگان هم‌چون پیاده‌راه و محورهای عبور دوچرخه.
- حمایت از سرمایه‌گذاری در شیوه‌های متنوع حمل‌ونقل.

اقتصاد

● اشتغال‌زایی و توسعه‌ی اقتصادی شهر به‌منظور جذب ظرفیت‌های جویای کار شهرها با تأکید بر کسب‌وکارهای کوچک و در صورت عدم امکان توسعه در کوتاه‌مدت، سامان‌دهی و توان‌مندسازی مشاغل و کسب‌وکارهای موجود.

- شناسایی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های اشتغال در سطح شهر بر اساس منابع و نیروهای انسانی.
- شناسایی مشاغل و کسب‌وکارهای غیررسمی و میزان شاغلین در این بخش.
- ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت درآمدی شاغلان در بخش غیررسمی.
- در صورت عدم امکان تحقق توسعه‌ی اشتغال برای شاغلان بخش غیر رسمی، حمایت، توان‌مندسازی و بهبود کسب‌وکارهای آن‌ها.

● تأمین فرصت‌های اقتصادی یک‌سان و برابر برای تمامی ساکنان شهر؛

- شناسایی مشاغل و فرصت‌های اشتغال متغیر و محلاتی با ساکنان شاغل در این بخش و ایجاد فرصت‌های اشتغال برابر با سایر ساکنان شهر.
- افزایش میزان دسترسی به آموزش‌های همگانی مهارت‌های کسب‌وکار، به‌خصوص برای شاغلان با دهک‌های پایین درآمدی به‌صورت عمومی و رایگان.
- بهبود و تقویت حمل‌ونقل عمومی به‌منظور دسترسی به مکان‌های اشتغال، به‌خصوص برای مناطق و نواحی محروم.

● افزایش قابلیت انتخاب و تنوع در فرصت‌های اقتصادی شهر؛

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

○ برنامه‌ریزی برای افزایش قابلیت‌های اقتصادی ساکنان شهر بر اساس ناهمگنی‌های فردی، با توجه به تنوع نیازهای افراد بر اساس ویژگی‌های جنسی، سنی معلولیت، استعداد، بیماری و غیره، میزان هزینه‌های آن‌ها از درآمد خود متفاوت است؛ ازاین‌رو شهرها باید قابلیت دست‌یابی به فرصت‌های اقتصادی را بر اساس ویژگی‌های فردی افزایش دهند.

○ برنامه‌ریزی برای افزایش قابلیت‌های اقتصادی ساکنان شهر بر اساس تنوع محیط مادی؛ شرایط محیط زندگی افراد سبب تغییر در مقادیر درآمد به‌دست‌آمده توسط آن‌ها می‌شود؛ ازاین‌رو طرح‌های توسعه‌ی شهری باید بکوشند با تغییر در محیط مادی شهر میزان عادی درآمدی ساکنان را ارتقا دهند.

○ برنامه‌ریزی برای افزایش قابلیت‌های اقتصادی ساکنان شهر بر اساس تغییرات شرایط اجتماعی؛ تبدیل منابع فردی به کارکردهای زندگی در جوامع مختلف، نیازمند صرف هزینه‌های اقتصادی متفاوتی است؛ ازاین‌رواز طرفی با تقویت شرایط اجتماعی هم‌چون آموزش عمومی، کاهش جرم و جنایت در مناطق خاص و تقویت سرمایه‌های اجتماعی از طرف دیگر می‌توان قابلیت‌های اقتصادی را افزایش داد.

خدمات عمومی

- تأمین خدمات عمومی برای تمامی نقاط شهر بر اساس نیاز ساکنان و کمبودهای موجود؛

○ ارزیابی محلات مختلف شهر با توجه به کمبـودها و نیاز ساکنـان به خدمات عمومی هم-چون خدمات درمانی، آموزشی، تفریحی، آتش‌نشانی، پلیس و غیره و برنامه‌ریزی برای تخصیص این خدمات.

- ارائه‌ی طرح‌های ویژه برای دست‌یابی اقشار ضعیف جامعه به کالاهای ناخالص عمومی؛

○ در دسترس قراردادن خدمات عمومی و رایگان هم‌چون خدمات درمانی، آموزشی، تفریحی و غیره در محلات فقیرنشین.

○ ارائه‌ی بن‌های تخفیف و یارانه برای کم‌درآمدها برای استفاده از تسهیلات و خدمات عمومی که امکان جانمایی آن در سطح محلات آن‌ها وجود ندارد.

○ دسترسی فقرای شهری به فضاهای تفریحی و اجتماعی که به‌صورت خصوصی و یا دولتی اداره می‌شوند؛ آن هم در ساعتی که مورداستفاده قرار نمی‌گیرند؛ هم‌چون بازبودن فضای مدارس به روی عموم در محلات فقیرنشین.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

- امکان دسترسی یک‌سان و برابر به خدمـات و تسهیلات عمومی و ارائه‌ی این خدمات به‌صورت ارزان‌قیمت؛
  - دسترسی مناسب باقابلیت دسترسی همگان به پارک‌های محلی، فضای باز عمومی و فضای بازی کودکان در فاصله‌ای مناسب و برابر از محلات مسکونی.
  - جانمایی مراکز مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، کلینیک‌های سلامت روانی، امکانات ورزشی و تفریحی و مراکز مراقبت و نگه‌داری از کودکان در تمامی محلات به شکل برابر.
  - ایجاد فضاهای عمومی چندمنظوره و چندکارکردی و افزایش دسترسی محلات به این نقاط.
  - ایجاد خدمات عمومی رایگان هم‌چون آتش‌نشانی، پلیس و غیره به شکل برابر در تمامی محلات.

در این پژوهش سعی شد به دو سؤال اساسی پاسخ داده شود. اولین سؤال، مربوط به مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظریاتی بود که می‌تواند در تعریف و مفهوم‌سازی عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری مؤثر باشد که براساس مطالعات صورت‌گرفته در ارتباط با بنیان‌های فلسفی عدالت، نظریات اندیش‌مندانی هم‌چون مارکس، کانت، راولز، هابرماس و امارتیاسن می‌توانند پایه‌ی بنیان نظری عدالت را در برنامه‌ریزی شهری شکل دهند. کارل مارکس معتقد است مالکیت خصوصی، زمینه‌ی افزایش تضاد طبقاتی و نابرابری در جامعه است و تنها راه مبارزه با نابرابری و برقراری عدالت در جامعه کسب قدرت سیاسی کارگران و گام‌برداشتن به سوی جامعه‌ی سوسیالیستی است. دیدگاه مارکسیستی زمینه‌ی شکل‌گیری نظریات هاروی در زمینه‌ی عدالت اجتماعی و شهر بوده است. وی براساس قواعد کلی نظریه‌ی مارکس معتقد است راه دست‌یابی به عدالت در شهر از طریق توزیع درآمد برای برآورده‌ساختن نیازهای جمعیتی هر منطقه، افزایش ضریب فزایندگی بین مناطق و تخصیص منابع جهت رفع مشکلات اجتماعی و فیزیکی مناطق است. هم‌چنین دورنمای زندگی در محروم‌ترین مناطق بهتر شود، بهره‌کشی از توان نیروی کار کاهش یابد، مظلومان جهت دست‌یابی به قدرت سیاسی توان‌مند شوند، شیوه‌های امپریالیستی در طراحی پروژه‌های شهری از بین برود و سطح فشـار عـمومی از طریق شیوه‌های غیرانحصـاری کنترل اجتمـاعی و توجه به اثـرات زیسـت‌محیطی در همه‌ی طرح‌های شهری افزایش یابد.

ایمانوئل کانت معتقد است عدالت بر پایه‌ی آزادی بیرونی تعریف می‌شود و عدالت، عملی عقلانی است که قابلیت تبدیل به قانونی جهان شمول را دارد. هم‌چنین مبنای این عقل، من

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

استعلایی است. بر این اساس قانون عمومی عدالت شامل تنظیم رفتار بیرونی هر فرد در جامعه است؛ به گونه‌ای که بخواهد آن رفتار در همان زمان برای همه فراگیر و الزام‌آور باشد. جان راولز به‌عنوان تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز در زمینه‌ی فلسفه‌یعدالت، عدالت توزیعی و فرآیندی خالص را شق‌های ناقصی از مفهوم عدالت می‌داند و معتقد است زمینه‌ی برقراری عدالت با تدوین قرارداد اجتماعی در پس حجاب جهل ممکن است. راولز دو اصل اساسی را برای عدالت برمی‌شمارد؛ اولی برابری در برقراری حقوق و تکالیف پایه و دومی، نابرابری به شرط برابری در فرصت‌ها و منفعت بیش‌تر به نفع طبقه‌ی محروم. سوزان فاینستاین، واضع نظریه‌ی شهرهای عدالت‌محور در برنامه‌ریزی شهر است که از نظریات کانت و راولز برای ارائه‌ی نظریه‌ی خود استفاده کرده است. فاینستاین معیارهای اصلی شهر عدالت‌محور را برابری، دموکراسی و تنوع می‌داند و معتقد است برنامه‌های مسکن، اقتصاد شهری، حمل‌ونقل و کاربری اراضی شهری باید در جهت برآورده‌ساختن این سه اصل گام بردارند.

آمارتیاسن(۱۳۹۲) به‌عنوان نظریه‌پرداز متأخر در زمینه‌ی فلسفه‌ی عدالت شناخته می‌شود. وی باور دارد عدالت اجتماعی از طریق توجه به واقعیت زندگی مردم قابل تعریف است؛ نه از طریق نهادگرایی استعلایی. وی بیان می‌کند که عدالت تنها از طریق مشارکت و گفتمان قابل حصول است و معتقد است نهادها تنها ابزاری برای دست‌یابی به عدالت هستند؛ نه نمادی از عدالت. آمارتیاسن معیار ارزیابی عدالت را بی‌طرفی باز و بسته می‌داند؛ به این معنی که ارزیابی عدالت باید هم در جامعه‌ی هدف و هم خارج از جامعه‌ی هدف انجام گیرد. نظریه‌ی قابلیت سن، عدالت را در برابری در توانـایی بالقوه‌ی افراد در جهـت انتخـاب آن‌ها برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان می‌داند و این برابری تنها از طریق انتخاب آزادانه‌ی چیزهایی که انجام و دست‌یابی به آن‌ها برای فرد ارزش‌مند است، حاصل می‌شود.

سؤال دوم در ارتباط با معیارها و راهبردهای مناسب برای ارزیابی و تحقق عدالت در طرح‌های توسعه‌ی شهری بود که براساس حوزه‌های مورد عمل در طرح‌های توسعه‌ی شهری ارائه شد و از طریق این راهبردها و سیاست‌ها می‌توان طرح‌های توسعه‌ی شهری را در کشورهای مختلف، از نظر دست‌یابی برنامه‌ریزی شهری به عدالت مورد ارزیابی قرار داد و با مشخص‌شدن کاستی‌ها در جهت هرچه عادلانه‌ترکردن طرح‌ها اقدام کرد. راهبردهای مرتبط در عرصه‌ی کاربری زمین، اغلب مبتنی بر معیار نیاز برای تأمین کاربری‌های شهروندان، نابرابری به نفع طبقه‌ی محروم برای دست-

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

یابی محرومان، هم‌زمان با سایرین به انواع کاربری‌ها، برابری برای تخصیص سود پروژه‌های کلان شهری و تنوع در طراحی و منطقه‌بندی ضوابط کاربری تدوین می‌شود.

در حوزه‌ی مسکن و محلات در تدوین راهبردها از معیار نیاز برای تأمین مسکن موردنیاز ساکنان و تأمین زیرساخت‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و حمل‌ونقلی محلات، معیار نابرابری به نفع طبقه‌ی محروم برای توسعه‌ی مسکن قابل‌استطاعت، معیار تنوع در برنامه‌ریزی و طراحی مسکونی و معیار قابلیت‌های شهری برای افزایش قابلیت انتخاب در وضعیت‌های اجتماعی شهر برای شهروندان استفاده می‌شود. در حوزه‌ی حمل‌ونقل، معیارهایی هم‌چون برابری در دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، تنوع در شیوه‌ی حمل‌ونقل برای برقراری عدالت انتخاب شده‌اند. در حوزه‌ی اقتصاد شهری در تدوین راهبردها از معیار نیاز در جهت اشتغال‌زایی و توسعه‌ی اقتصادی شهر، معیار برابری برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی برابر در شهر و معیار قابلیت‌های شهری برای افزایش قابلیت انتخاب و تنوع در فرصت‌های اقتصادی شهر جهت مشخص‌نمودن عدالت استفاده شده است و برای مبحث خدمات عمومی از معیار نیاز جهت تدوین خدمات مورد نیاز ساکنان، معیار نابرابری به نفع طبقه‌ی محروم، برای ارائه‌ی طرح‌های ویژه‌ی دست‌یابی طبقه‌ی محروم به کالاهای ناخالص عمومی و معیار برابری برای دسترسی برابر و ارزان‌قیمت به تسهیلات عمومی، بهره‌برداری می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

منابع

۱-حاتمی‌نژاد،حسین و راستی،عمران (۱۳۸۸)«عدالت اجتماعی و عدالت فضایی(منطقه‌ای) (بررسی ومقایسه‌ی نظریات جان رالز و دیوید هاروی)،**اطلاعات سیاسی-اقتصادی**،۵(۲۴): ۹۵-۸۲.

۲-سعیدی‌رضوانی،هادی و نوریان،فرشاد(۱۳۹۳) «شهرسازی عدالت‌محور»،رهیافتی پیش‌رو در برنامه‌ریزی شهری. **مطالعات شهری**، ۳(۳): ۵۸-۴۷.

۳-سن،آمارتیا (۱۳۹۲)**اندیشه‌ی عدالت**، ترجمه‌ی وحید محمودی و هرمز همایونپور.. تهران: کتاب روشن و کندوکاو.

۴-طبیبیان،منوچهر،شکوهی،محمدصالح و ارباب،پارسا (۱۳۸۹) «ارزیابی عدالت اجتماعی در طرح منظر شهری محله‌ی خوب‌بخت، منطقه‌ی ۱۵ شهرداری تهران»،**معماری و شهرسازی آرمان-شهر**،۳(۵): ۱۲۲-۱۱۱.

۵-فاینستاین،سوزاناس (۱۳۹۲)برنامه‌ریزی و شهر عدالت‌محور(هادی سعیدی رضوانی و محجوبه کشمیری) درپیتر مارکوس، جیمز کنولی ، جوهان زنووی، اینگر یداولیوو، سوزپاترو جاستین استیل(مصحح)،**در جست‌وجوی شهر عدالت‌محور**. تهران: نشرشهر.

۶-فکوهی،ناصر (۱۳۸۳)**انسان‌شناسی شهری**،تهران: نشرنی.

۷-فلاحیان،ناهید (۱۳۷۸)«عدالت اجتماعی و شهر»،**کتاب ماه تاریخ وجغرافیا**، ۸(۲): ۱۷-۱۴.

۸-نورعلی‌وند،علی (۱۳۹۴)**جامعه‌شناسی شهری**،جلددوم،تهران: جامعه‌شناسان.

۹-هاروی،دیوید (۱۳۷۶) **عدالت اجتماعی و شهر**، (فرخ حسامیان، محمدرضا حائری و بهروز منادی‌زاده.). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

10-Mitchell, D. (2003). **The right to the city: Social justice and the fight for public space:** Guilford Press.

11-Keating, D. (2012). Book Review: The Just City. **Urban Affairs Review**, *48*(1), 138-140.

12-Sandoval, J. O. (2011). Seeking Spatial Justice. **Contemporary Sociology: A Journal of Reviews**, *40*(4), 491-492.

13-Harvey, D. (1992). Social Justice, Postmodernism and the City*. **International journal of urban and regional research**, *16*(4), 588-601.

14-Fainstein, S. S. (2015). Social justice and urban policy deliberation: balancing the discourses of democracy, diversity and equity. In F. Fischer, D. Torgerson, A. Durnová, & M. Orsini (Eds.), **Handbook of Critical Policy Studies**. Massachuset: Edward Elgar Publishing Limited.

15-Fainstein, S. S. (2000). New directions in planning theory. **Urban Affairs Review**, *35*(4), 451-478.

16-Fainstein, S. S. (2010). **The just city.** New York Cornell University Press.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

17-Greater London Authority. (2015). **The London Plan: The Spatial Development Strategy for London (Consolidated with Alterations since 2011).** Retrieved from London: www.london.gov.uk

18-Oxford City Council. (2011). **Oxford Core Strategy 2026.** Retrieved from Oxford: https://www.oxford.gov.uk/corestrategy

19-Birmingham City Council. (2013). **BIRMINGHAM DEVELOPMENT PLAN Planning for sustainable growth.** Retrieved from Birmingham: www.birmingham.gov.uk/plan2031

20-American Planning Association, Steiner, F. R., & Butler, K. (2012). **Planning and Urban Design Standards.** New Jersey: John Wiley & Sons.

21-New York City (NYC) Office of the Mayor. (2007). **PlaNYC: A Greener, Greater New York.** Retrieved from New York:

22-Los Angeles City Planning Department. (2015). **THE CITYWIDE GENERAL PLAN FRAMEWORK AN ELEMENT OF THE CITY OF LOS ANGELES GENERAL PLAN.** Retrieved from Los Angeles: http://cityplanning.lacity.org/

23-Atlanta Planning & Community Development Department. (2011). **2011 Comprehensive Development Plan (CDP).** Retrieved from Atlanta: http://www.atlantaga.gov/index.aspx?page=376

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]